

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	بخش دوم - مجازات‌ها
۱.....	فصل اول - مجازات‌های اصلی
۱.....	مبحث اول - مجازات‌های اصلی اشخاص حقیقی
۵.....	مبحث دوم - مجازات‌های اشخاص حقوقی
۶.....	فصل دوم - مجازات‌های تکمیلی و تبعی
۱۱.....	فصل سوم - نحوه تعیین و اعمال مجازات‌ها
۱۴.....	فصل چهارم - تخفیف مجازات و معافیت از آن
۱۶.....	فصل پنجم - تعویق صدور حکم
۱۹.....	فصل ششم - تعلیق اجرای مجازات
۲۲.....	فصل هفتم - نظام نیمه‌آزادی
۲۳.....	فصل هشتم - نظام آزادی مشروط
۲۶.....	فصل نهم - مجازات‌های جایگزین حبس
۳۴.....	فصل دهم - مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان
۳۸.....	فصل یازدهم - سقوط مجازات
۳۸.....	مبحث اول - عفو
۳۹.....	مبحث دوم - نسخ قانون
۳۹.....	مبحث سوم - گذشت شاکی
۴۱.....	مبحث چهارم - مرور زمان
۴۵.....	مبحث پنجم - توبه مجرم
۴۷.....	مبحث ششم - اعمال قاعده درأ

شماره چاپ: ۱۲۸

شماره ثبت: ۱۲۷

دوره هشتم - سال اول

تاریخ چاپ: ۱۳۸۷/۴/۱۰

اظهار نظر کارشناسی درباره:

«لایحه مجازات اسلامی»

(بخش دوم - کلیات، مجازات‌ها)

پیشنهاد‌های مرکز پژوهش‌ها



اظهار نظر کارشناسی درباره:
«لایحه مجازات اسلامی»
 (بخش دوم - کلیات، مجازات‌ها)
 پیشنهاد های مرکز پژوهش‌ها

بخش دوم - مجازات‌ها

فصل اول - مجازات‌های اصلی

مبحث اول - مجازات‌های اصلی اشخاص حقیقی

ماده (۱۴)

مجازات‌های مقرر برای اشخاص حقیقی چهار قسم است: (۱) حد، (۲) قصاص، (۳) دیه، (۴) تعزیر.

ماده (۱۵)

«حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است».

ماده (۱۶)

قصاص مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضا و منافع است که به شرح مندرج در کتاب سوم این قانون اعمال خواهد شد.



ماده (۱۷)

دیه (اعم از مقدر و غیرمقدر) مالی است که در شرع مقدس در مورد ایراد جنایت غیرعمدی بر نفس، اعضا و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، به موجب قانون مقرر شده است.

ماده (۱۸)

«تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نبوده و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون خواهد بود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار خواهد داد:

۱. انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم،
۲. شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن،
۳. اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم،
۴. سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی».

ماده (۱۹)

«مجازات‌های تعزیری مقرر برای اشخاص حقیقی به هشت درجه تقسیم می‌شوند:

درجه ۱:

- حبس بیش از بیست و پنج تا سی سال،



- جزای نقدی بیش از یکمیلیارد ریال،

- مصادره اموال.

درجه ۲:

- حبس بیش از پانزده تا بیست و پنج سال،

- جزای نقدی بیش از پانصد و پنجاه میلیون تا یکمیلیارد ریال.

درجه ۳:

- حبس بیش از ده تا پانزده سال،

- جزای نقدی بیش از سیصد و شصت میلیون تا پانصد و پنجاه میلیون ریال.

درجه ۴:

- حبس بیش از پنج تا ده سال،

- جزای نقدی بیش از یکصد و هشتاد میلیون تا سیصد و شصت میلیون ریال،

- انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی.

درجه ۵:

- حبس بیش از دو تا پنج سال،

- جزای نقدی بیش از هشتاد میلیون تا یکصد و هشتاد میلیون ریال،

- محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از پنج تا پانزده سال.

درجه ۶:

- حبس بیش از شش ماه تا دو سال،

- جزای نقدی بیش از بیست میلیون تا هشتاد میلیون ریال،

- شلاق از سی و یک تا نود و نه ضربه،

- محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال،

- انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها.

درجه ۷:

- حبس از نود و یک روز تا شش ماه،

- جزای نقدی بیش از ده میلیون تا بیست میلیون ریال،

- شلاق از یازده تا سی ضربه،

- محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه.

درجه ۸:

- حبس تا سه ماه،

- جزای نقدی تا ده میلیون ریال،

- شلاق تا ده ضربه.

تبصره «۱» - موارد محرومیت از حقوق اجتماعی همان است که در مجازات‌های

تبعی ذکر شده است.

تبصره «۲» - مجازاتی که حداقل آن منطبق بر یکی از درجات فوق و حداکثر آن

منطبق با درجه بالاتر باشد، از درجه بالاتر محسوب می‌شود.

تبصره «۳» - شلاق تعزیری بیشتر از ۷۴ ضربه تنها در مورد جرائم منافی عفت

موجب تعزیر قابل اعمال است.

تبصره «۴» - در صورت تعدد مجازات‌ها، مجازات شدیدتر و در صورت عدم

امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است. همچنین اگر مجازاتی با

هیچیک از بندهای هشت‌گانه این ماده (مطابقت نداشته باشد مجازات درجه هفت



محسوب می‌شود».

تبصره «۵» - مصادره اشیا و اموالی که در ارتکاب جرم به‌کار رفته یا مقصود از آن به‌کارگیری در ارتکاب جرم بوده است از شمول این ماده (و بند «۶» ماده بعد خارج و در مورد آنها برابر ماده (۲۱۳) این قانون عمل خواهد شد. در هر مورد که حکم به مصادره اموال صادر می‌شود باید هزینه‌های متعارف زندگی محکوم و افراد تحت تکفل او مستثنا شود.

مبحث دوم - مجازات‌های اشخاص حقوقی

ماده (۲۰)

«در صورتی که شخص حقوقی براساس ماده (۱۴۲) این قانون مسئول شناخته شود، علاوه بر مجازات شخص حقیقی، اقدامات زیر در مورد آن اعمال خواهد شد:

۱. انحلال شخص حقوقی،
۲. ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به‌طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال،
۳. ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به‌طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال،
۴. ممنوعیت از اصدار اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال،
۵. جزای نقدی،
۶. مصادره اموال،
۷. انتشار حکم محکومیت به‌وسیله رسانه‌ها.



تبصره - اعمال مجازات موضوع این ماده (در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیر دولتی و یا اشخاص حقوقی ای که به‌موجب قانون خاص ایجاد شده‌اند، ممکن نیست».

ماده (۲۱)

میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که در قانون برای ارتکاب آن به‌وسیله اشخاص حقیقی تعیین شده است.

ماده (۲۲)

انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال آن زمانی اعمال می‌شود که برای ارتکاب جرم به‌وجود آمده، یا در جهت ارتکاب جرم با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصراً در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد.

فصل دوم - مجازات‌های تکمیلی و تبعی

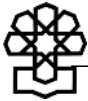
ماده (۲۳)

«دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری تا درجه شش محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی زیر محکوم نماید:

۱. اقامت اجباری در محل معین،



۲. منع از اقامت در محل یا محل‌های معین،
 ۳. منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین،
 ۴. انفصال از خدمات دولتی و عمومی،
 ۵. منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری،
 ۶. منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجارتي،
 ۷. منع از حمل سلاح،
 ۸. منع از خروج اتباع ایران از کشور،
 ۹. اخراج بیگانگان از کشور،
 ۱۰. الزام به خدمات عمومی،
 ۱۱. منع از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دسته‌جات سیاسی یا اجتماعی،
 ۱۲. توقیف وسایل ارتکاب جرم یا رسانه یا مؤسسه‌ای که در ارتکاب جرم دخالت داشته است،
 ۱۳. الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین،
 ۱۴. الزام به تحصیل،
 ۱۵. انتشار حکم محکومیت قطعی.
- تبصره «۱»** - مدت مجازات تکمیلی بیش از دو سال نخواهد بود مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر کرده باشد.
- تبصره «۲»** - چنانچه مجازات تکمیلی و مجازات اصلی از یک نوع باشند، فقط مجازات اصلی مورد حکم قرار خواهد گرفت.
- تبصره «۳»** - آیین‌نامه راجع به کیفیت اجرای مجازات تکمیلی ظرف شش ماه از



تاریخ تصویب این قانون به وسیله وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید».

ماده (۲۴)

«چنانچه محکوم طی مدت اجرای مجازات تکمیلی، مفاد حکم را رعایت ننماید، دادگاه صادرکننده حکم به پیشنهاد قاضی اجرای حکم برای بار اول مدت مجازات تکمیلی مندرج در حکم را تا یک‌سوم افزایش داده و در صورت تکرار بقیه مدت محکومیت را به حبس یا جزای نقدی درجه ۷ یا ۸ تبدیل می‌کند. همچنین بعد از گذشتن نیمی از مدت مجازات تکمیلی، دادگاه می‌تواند با پیشنهاد قاضی اجرای حکم در صورت اطمینان به عدم تکرار جرم و اصلاح وی، نسبت به لغو یا کاهش مدت زمان مجازات تکمیلی اقدام کند».

ماده (۲۵)

«محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی، محکوم را پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده، از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند:

۱. هفت سال در محکومیت به مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی،
۲. سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار،



۳. دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنجم.

تبصره «۱» - در غیر موارد فوق، مراتب محکومیت در پیشینه کیفری محکوم درج می‌شود، لکن در گواهی‌های صادر شده از مراجع ذیربط منعکس نخواهد شد، مگر به درخواست مراجع قضایی برای تعیین یا بازنگری در مجازات.

تبصره «۲» - در مورد جرائم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، اجرای مجازات موقوف شود اثر تبعی آن نیز رفع می‌شود.

تبصره «۳» - در آزادی مشروط، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدت‌های فوق از زمان عفو یا اتمام مدت آزادی مشروط رفع می‌شود. محکوم در مدت زمان آزادی مشروط و همچنین در زمان اجرای حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم خواهد بود.

ماده (۲۶)

«حقوق اجتماعی موضوع این قانون به شرح زیر است:

۱. داوطلب شدن در انتخابات ریاست‌جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا،

۲. عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیئت دولت و تصدی معاونت رئیس‌جمهور،

۳. تصدی ریاست قوه قضائیه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور و ریاست دیوان عدالت اداری.



۴. عضویت در انجمن‌ها، شوراها، احزاب و جمعیت‌هایی که اعضای آن به موجب قانون یا با رأی مردم انتخاب می‌شوند،

۵. عضویت در هیئت‌های منصفه، امنا و شوراهای حل اختلاف،

۶. اشتغال به عنوان مدیر مسئول یا سردبیر رسانه‌های گروهی،

۷. استخدام و یا اشتغال در کلیه دستگاه‌های حکومتی اعم از قوای سه‌گانه و

سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به آنها، صداوسیما، نیروهای مسلح و سایر نهادهای تحت نظر رهبری، شهرداری‌ها و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و آن دسته از دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم تصریح یا ذکر نام است.

۸. اشتغال به عنوان وکیل دادگستری و تصدی دفاتر ثبت اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفترباری،

۹. انتخاب شدن به سمت قیم، امین، متولی، ناظر یا متصدی موقوفات عام،

۱۰. انتخاب شدن به سمت داوری یا کارشناسی در مراجع رسمی،

۱۱. استفاده از نشان‌های دولتی و عناوین افتخاری،

۱۲. تأسیس، اداره یا عضویت در هیئت‌مدیره شرکت‌های دولتی، تعاونی و

خصوصی یا ثبت‌نام تجارتي یا مؤسسه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و علمی.»

تبصره «۱» - مستخدمان دستگاه‌های حکومتی در صورت محرومیت از حقوق

اجتماعی، خواه به عنوان مجازات اصلی باشد و خواه مجازات تکمیلی یا تبعی، حسب مورد در مدت مقرر در حکم یا قانون، از خدمت منفصل خواهند شد.

تبصره «۲» - هرکس به عنوان مجازات تبعی از حقوق اجتماعی محروم گردد پس

از گذشت مواعد مقرر در ماده (قبل اعاده حیثیت خواهد شد و آثار تبعی محکومیت وی



زائل می‌گردد مگر در مورد بندهای «۱»، «۲» و «۳» این ماده که از حقوق مزبور به‌طور دائمی محروم خواهد شد.

فصل سوم - نحوه تعیین و اعمال مجازات‌ها

ماده (۲۷)

«مدت حبس از روزی آغاز می‌شود که محکوم به‌موجب حکم قطعی لازم‌الاجرا حبس شده باشد. در صورتی‌که فرد، پیش از صدور حکم به‌علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده مطرح بوده بازداشت شده باشد، مدت بازداشت قبلی در حکم احتساب خواهد شد. در صورتی‌که مجازات مورد حکم، شلاق تعزیری یا جزای نقدی باشد، هر روز بازداشت یک ضربه شلاق یا صد هزار ریال محاسبه می‌شود. چنانچه مجازات متعدد باشد به‌ترتیب نسبت به حبس، شلاق و جزای نقدی احتساب می‌شود.

تبصره - مبلغ مذکور در این ماده و سایر مبالغ مندرج در این قانون و قوانین دیگر از جمله مجازات نقدی، به تناسب نرخ تورم اعلام شده به‌وسیله بانک مرکزی هر سه سال یک‌بار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیئت دولت تعدیل و درخصوص احکامی که بعد از آن صادر می‌شود لازم‌الاجرا خواهد بود».

ماده (۲۸)

«هرگاه بازداشت بدل از جزای نقدی توأم با مجازات حبس باشد بازداشت بدل از جزای نقدی از تاریخ اتمام حبس شروع می‌شود و از حداکثر مدت حبس مقرر در قانون برای آن جرم بیشتر نخواهد بود و در هر حال مدت بازداشت بدل از جزای نقدی نباید از سه سال تجاوز کند».

ماده (۲۹)

«منع از اشتغال به شغل، کسب، حرفه یا کار معین مستلزم لغو جواز کار یا پروانه کسب، حرفه یا کار و به شرطی است که جرم به سبب اشتغال به شغل، کسب، حرفه یا کار ارتکاب یافته یا وقوع آن را تسهیل کرده باشد».

ماده (۳۰)

«منع از رانندگی و تصدی وسیله نقلیه موتوری مستلزم ابطال گواهینامه و ممنوعیت از درخواست مجدد است».

ماده (۳۱)

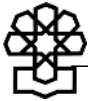
«منع از اصدار چک مستلزم ابطال برگ‌های سفید دسته‌چک و انسداد حساب جاری و ممنوعیت از درخواست مجدد افتتاح حساب جاری است».

ماده (۳۲)

«منع از حمل اسلحه مجاز مستلزم ابطال پروانه حمل و توقیف سلاح خواهد بود».

ماده (۳۳)

«منع از خروج اتباع ایران از کشور مستلزم ابطال گذرنامه و ممنوعیت از درخواست مجدد است».



**ماده (۳۴)**

«اخراج بیگانگان از کشور به صورت موقت یا دائم به نظر دادگاه خواهد بود.»

ماده (۳۵)

«انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم موجب حد محاربه و افساد فی الارض، یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد ریال در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت انجام می‌شود.

تبصره «۱» - انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم زیر که میزان جرم ارتكابی، یک میلیارد ریال یا بیش از آن باشد، الزامی بوده و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار ملی انجام می‌شود:

۱. رشاء و ارتشاء،
۲. اختلاس،
۳. اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری،
۴. مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری،

۵. تبانی در معاملات خارجی،

۶. اخذ پورسانت در معاملات خارجی،

۷. تعديات مأمورین دولتی نسبت به دولت،

۸. جرائم گمرکی،



۹. قاچاق کالا،

۱۰. جرائم مالیاتی،

۱۱. پولشویی،

۱۲. اخلال در نظام اقتصادی کشور،

۱۳. تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی.

تبصره «۲» - اعلان مشخصات متهم قبل از قطعیت حکم به وسیله مقامات قضایی و انتظامی موجب محکومیت به مجازات مفتری خواهد بود.»

فصل چهارم - تخفیف مجازات و معافیت از آن**ماده (۳۶)**

«در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به شرح ذیل تقلیل داده یا تبدیل کند:

۱. حبس به میزان یک یا دو درجه،

۲. مصادره اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار،

۳. انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال،

۴. سایر مجازات‌های تعزیری به میزان یک یا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر.»

ماده (۳۷)

«جهات تخفیف عبارتند از:

۱. گذشت شاکی یا مدعی خصوصی،



۲. همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیای تحصیل شده از جرم به کار رفته برای ارتکاب آن،
 ۳. اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم،
 ۴. اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی در حین تحقیق و رسیدگی،
 ۵. ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری،
 ۶. کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی در جهت جبران زیان ناشی از آن،
 ۷. خفیف بودن زیان وارد شده به بزه‌دیده یا نتایج زیانبار جرم،
 ۸. مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم.
- تبصره «۱»** - دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم خود قید کند.
- تبصره «۲»** - هرگاه نظیر جهات مندرج در این ماده (در مواد خاصی پیش‌بینی شده باشد، دادگاه نمی‌تواند به‌موجب همان جهات مجازات را دوباره تخفیف دهد).

ماده (۳۸)

«در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، در صورت احراز جهات تخفیف چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب اصلاح می‌شود در صورت فقدان سابقه کیفری مؤثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن، می‌تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند.»

**فصل پنجم - تعویق صدور حکم****ماده (۳۹)**

«در جرائم موجب تعزیر درجه شش تا هشت دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد:

۱. وجود جهات تخفیف،

۲. پیش‌بینی اصلاح مرتکب،

۳. جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران،

۴. فقدان سابقه کیفری مؤثر.»

تبصره - محکومیت مؤثر، محکومیتی است که محکوم را پس از اجرای حکم، براساس ماده (۲۵) این قانون تبعاً از حقوق اجتماعی محروم می‌کند.»

ماده (۴۰)

«تعویق ممکن است ساده یا مراقبتی باشد.

در تعویق ساده مرتکب کتباً متعهد می‌گردد، در مدت تعیین شده به وسیله دادگاه، مرتکب جرم نشود و از نحوه رفتار وی پیش‌بینی شود که در آینده نیز مرتکب جرم نخواهد شد.

در تعویق مراقبتی علاوه بر شرایط تعویق ساده مرتکب متعهد می‌گردد دستورات و تدابیر مقرر شده به وسیله دادگاه را در مدت تعویق رعایت کند یا به موقع اجرا گذارد.



تبصره «۱» - دادگاه نمی‌تواند قرار تعویق صدور حکم را به صورت غیابی صادر کند.

تبصره «۲» - چنانچه متهم در بازداشت باشد، دادگاه پس از صدور قرار تعویق صدور حکم، بلافاصله دستور آزادی وی را صادر می‌نماید. دادگاه می‌تواند در این مورد تأمین مناسب اخذ نماید. در هر صورت اخذ تأمین نباید به بازداشت مرتکب منتهی گردد».

ماده (۴۱)

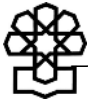
«تعویق مراقبتی همراه با تدابیر زیر است:

۱. حضور به موقع در زمان و مکانی که مقام قضایی یا مددکار اجتماعی ناظر تعیین می‌کند،
۲. ارائه اطلاعات و اسناد و مدارکی که نظارت بر اجرای تعهدات محکوم را برای مددکار اجتماعی تسهیل می‌کند،
۳. اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابجایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه گزارشی از آن به مددکار اجتماعی،
۴. کسب اجازه از مقام قضایی به منظور مسافرت به خارج از کشور.

تبصره - تدابیر یاد شده می‌تواند از سوی دادگاه همراه با برخی تدابیر معاضدتی، از قبیل معرفی مرتکب به نهادهای حمایتی باشد».

ماده (۴۲)

«در تعویق مراقبتی دادگاه صادرکننده قرار می‌تواند مرتکب را با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او به نحوی که در زندگی محکوم یا



خانواده‌اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند به اجرای یک یا چند مورد از دستورات زیر در مدت تعویق، ملزم نماید:

۱. حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص،
۲. اقامت یا عدم اقامت در مکان معین،
۳. درمان بیماری یا ترک اعتیاد،
۴. پرداخت نفقه افراد واجب‌النفقة،
۵. خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری،
۶. خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن،
۷. خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونین جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه‌دیده به تشخیص دادگاه،
۸. گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی».

ماده (۴۳)

«در مدت تعویق، در صورت ارتكاب جرم موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت، دادگاه نسبت به لغو قرار تعویق اقدام و حکم محکومیت صادر خواهد کرد. همچنین در صورت عدم اجرای دستورات دادگاه قاضی می‌تواند برای یکبار تا نصف مدت مقرر در قرار، به مدت تعویق افزوده یا نسبت به صدور حکم محکومیت اقدام کند.

تبصره - در صورت الغای قرار تعویق و صدور حکم محکومیت، صدور قرار تعلیق اجرای مجازات جایز نیست».

**ماده (۴۴)**

«پس از گذشت مدت تعویق با توجه به میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستورات دادگاه، گزارش‌های مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد نسبت به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می‌کند».

فصل ششم - تعلیق اجرای مجازات**ماده (۴۵)**

«در جرائم تعزیری درجه شش تا هشت دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک‌سوم مجازات می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. همچنین محکوم می‌تواند پس از تحمل یک‌سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید.»

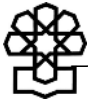
ماده (۴۶)

صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع آنها قابل تعویق و تعلیق نیست:

۱. جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات،

۲. جرائم سازمان‌یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، آدم‌ربایی و

اسیدپاشی،



۳. قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرائم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره کردن مراکز فساد و فحشا،

۴. قاچاق عمده مواد مخدر یا روان‌گردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و قاچاق انسان،

۵. تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی الارض،

۶. جرائم اقتصادی مشروط بر اینکه میزان موضوع جرم بیش از یکصد میلیون ریال باشد.

ماده (۴۷)

«تعلیق مجازات با رعایت مقررات مندرج در تعویق صدور حکم، ممکن است به‌طور ساده یا مراقبتی باشد».

ماده (۴۸)

«قرار تعلیق اجرای مجازات به وسیله دادگاه ضمن حکم محکومیت یا پس از صدور آن صادر می‌گردد. کسی که اجرای حکم مجازات وی به‌طور کلی معلق شده، اگر در بازداشت باشد فوراً آزاد می‌گردد».

ماده (۴۹)

«چنانچه محکومی که مجازات او معلق شده در مدت تعلیق بدون عذر موجه از دستور یا دستورهای دادگاه تبعیت نکند، دادگاه صادرکننده حکم می‌تواند به درخواست



دادستان یا قاضی اجرای مجازات‌ها، برای بار اول یک تا دو سال به مدت تعلیق اضافه کرده یا قرار تعلیق را لغو نماید. تخلف از دستور دادگاه برای بار دوم، موجب الغای قرار تعلیق و اجرای مجازات خواهد بود.»

ماده (۵۰)

«تعلیق اجرای مجازات محکوم، نسبت به حق مدعی خصوصی تأثیری ندارد و حکم پرداخت خسارت یا دیه در این موارد اجرا خواهد شد.»

ماده (۵۱)

«هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق مرتکب جرم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت نشود، محکومیت تعلیقی بی‌اثر خواهد شد.»

ماده (۵۲)

در صورتی که قسمتی از مجازات یا یکی از مجازات‌های مورد حکم معلق شده باشد، مدت تعلیق از زمان خاتمه اجرای مجازات غیرمعلق احتساب خواهد شد.

تبصره - در مواردی که به موجب قوانین اداری و استخدامی، محکومیت کیفری موجب انفصال است در صورت تعلیق، محکومیت معلق، موجب انفصال نخواهد بود، مگر آنکه در قانون تصریح یا قرار تعلیق لغو شده باشد.»



ماده (۵۳)

«هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق، مرتکب یکی از جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت شود، پس از قطعیت حکم اخیر، دادگاه قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را نیز صادر و مراتب را به دادگاه صادرکننده قرار تعلیق اعلام می‌کند. دادگاه به هنگام صدور قرار تعلیق صریحاً به محکوم اعلام می‌کند که اگر در مدت تعلیق مرتکب یکی از جرائم فوق شود، افزون بر مجازات جرم اخیر، مجازات معلق نیز درباره او اجرا می‌شود.»

ماده (۵۴)

«هرگاه پس از صدور قرار تعلیق، دادگاه احراز نماید که محکوم دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر یا محکومیت‌های قطعی دیگری بوده که در میان آنها محکومیت تعلیقی وجود داشته و بدون توجه به آن اجرای مجازات معلق شده است، قرار تعلیق را لغو خواهد کرد. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز موظف است در صورت اطلاع از موارد فوق لغو تعلیق مجازات را از دادگاه درخواست نماید. حکم این ماده در مورد تعویق صدور حکم نیز جاری است.»

فصل هفتم - نظام نیمه آزادی

ماده (۵۵)

نظام نیمه آزادی، شیوه‌ای است که براساس آن محکوم می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، درمانی و نظایر اینها را در خارج



از زندان انجام دهد. اجرای این فعالیت‌ها زیر نظر مراکز نیمه‌آزادی است که در سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تأسیس می‌شود.

ماده (۵۶)

در حبس‌های تعزیری درجه ۵ تا ۷ دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند مشروط به گذشت شاکی و سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرآیند اصلاح یا جبران خسارت وارد بر بزه‌دیده مؤثر است، محکوم را با رضایت وی، تحت نظام نیمه‌آزادی قرار دهد. همچنین محکوم می‌تواند در طول دوره تحمل مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی، صدور حکم نیمه‌آزادی را تقاضا نماید و دادگاه موظف به رسیدگی خواهد بود.

فصل هشتم - نظام آزادی مشروط

ماده (۵۷)

«در مورد محکومیت به حبس تعزیری، دادگاه صادرکننده حکم می‌تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ۱۰ سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک‌سوم مدت مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری با رعایت شرایط زیر حکم به آزادی مشروط صادر کند:

۱. محکوم در مدت اجرای مجازات مستمراً از خود حُسن اخلاق و رفتار نشان

داده باشد،



۲. حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی دیگر مرتکب جرم نخواهد شد،
۳. به تشخیص دادگاه تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیان مورد حکم یا مورد موافقت مدعی خصوصی را بپردازد یا قراری برای پرداخت آن ترتیب دهد.
۴. محکوم سابقاً از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد.

انقضای مواعد فوق و همچنین مراتب مذکور در بندهای «۱» و «۲» پس از گزارش رئیس زندان محل به تأیید قاضی اجرای احکام کیفری خواهد رسید. قاضی اجرای احکام کیفری موظف است مواعد مقرر و وضعیت زندانی را درخصوص تحقق شرایط مذکور بررسی و در صورت احراز آن پیشنهاد آزادی مشروط را تقدیم دادگاه نماید».

ماده (۵۸)

«مدت آزادی مشروط شامل بقیه مدت مجازات خواهد بود، لکن دادگاه می‌تواند مدت آن را تغییر دهد و در هر حال نمی‌تواند کمتر از یک‌سال و بیشتر از پنج سال باشد جز در مواردی که بقیه مدت کمتر از یک سال باشد که در این صورت مدت آزادی مشروط معادل بقیه مدت حبس خواهد بود».

ماده (۵۹)

«دادگاه می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال وقوع جرم و خصوصیات روانی و شخصیت محکوم، او را در مدت آزادی مشروط، به اجرای دستور یا دستورهای مندرج در تعویق صدور حکم، ملزم کند. دادگاه دستور یا دستورهای مذکور و آثار عدم تبعیت از آنها و نیز آثار ارتکاب جرم جدید را در حکم خود قید و به محکوم تفهیم می‌کند».

**ماده (۶۰)**

«هرگاه محکوم در مدت آزادی مشروط بدون عذر موجه از دستور یا دستورهای دادگاه تبعیت نکند برای بار اول یک تا دو سال به مدت آزادی مشروط افزوده می‌شود. در صورت تکرار یا ارتکاب یکی از جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت، علاوه بر مجازات جرم جدید، بقیه مدت محکومیت نیز به اجرا درمی‌آید، در غیر این صورت آزادی او قطعی می‌شود.»

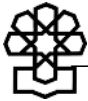
ماده (۶۱)

در جرائم تعزیری تا درجه پنج، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سیستم‌های الکترونیکی قرار دهد.

تبصره - دادگاه در صورت لزوم می‌تواند محکوم را تابع تدابیر نظارتی یا دستورات ذکر شده در تعویق مراقبتی قرار دهد.

ماده (۶۲)

آیین‌نامه اجرایی مواد مربوط به نظام نیمه‌آزادی و آزادی مشروط ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون به وسیله سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

**فصل نهم - مجازات‌های جایگزین حبس****ماده (۶۳)**

مجازات‌های جایگزین حبس عبارتند از: دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی که با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف تعیین و اجرا می‌شوند.

تبصره - دادگاه در ضمن حکم به سنجیت و تناسب مجازات مورد حکم با شرایط و کیفیات مقرر در این ماده تصریح خواهد کرد. دادگاه نمی‌تواند به بیش از دو مورد از مجازات‌های جایگزین حکم دهد.

ماده (۶۴)

مرتکبین جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها سه‌ماه حبس است به‌جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند.

ماده (۶۵)

مرتکبین جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها نودویک روز تا شش ماه حبس است به‌جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند مگر اینکه به‌دلیل ارتکاب جرم عمدی به‌شرح زیر دارای سابقه محکومیت کیفری باشد و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد:



۱. دارای بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا ده میلیون ریال یا شلاق تعزیری باشد؛
۲. دارای یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم دیه باشد.

ماده (۶۶)

دادگاه می‌تواند مرتکبین جرائم عمدی را که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یکسال حبس است به مجازات جایگزین حبس محکوم کند، مگر این که شرایط ماده قبل موجود باشد که در این صورت اعمال مجازات‌های جایگزین حبس ممنوع است.

ماده (۶۷)

مرتکبین جرائم غیرعمدی به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند. مگر اینکه مجازات قانونی جرم ارتكابی بیش از دو سال حبس باشد که در این صورت حکم به مجازات جایگزین حبس اختیاری است.

ماده (۶۸)

مرتکبین جرائمی که نوع یا میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند.

ماده (۶۹)

دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین خواهد کرد تا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورات یا عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجرا شود.

ماده (۷۰)

اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در مورد جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور ممنوع است.

ماده (۷۱)

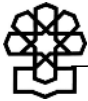
تعدد جرائم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از شش ماه حبس باشد مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است.

ماده (۷۲)

در جرائم عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یکسال حبس است در صورت تخفیف مجازات به کمتر از یکسال دادگاه نمی‌تواند حکم به مجازات جایگزین حبس صادر نماید.

ماده (۷۳)

مقررات این فصل در مورد احکام قطعی که پیش از لازم‌الاجرا شدن این قانون صادر شده است اجرا نخواهد شد.



**ماده (۷۴)**

همراه بودن سایر مجازات‌ها با مجازات حبس مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس نخواهد بود. در این صورت دادگاه می‌تواند به مجازات‌های مذکور همزمان با مجازات جایگزین حبس حکم دهد.

ماده (۷۵)

ملاک تعیین صلاحیت دادگاه و تجدیدنظرخواهی از حکم محکومیت به مجازات جایگزین حبس، مجازات قانونی جرم ارتكابی است.

ماده (۷۶)

قاضی اجرای احکام مجازات‌های جایگزین حبس که به تعداد لازم مددکار اجتماعی و مأمور مراقبت در اختیار خواهد داشت می‌تواند با توجه به وضعیت محکوم و شرایط و آثار اجرای حکم، تشدید، تخفیف، تبدیل یا توقف موقت مجازات مورد حکم را به دادگاه صادرکننده رأی پیشنهاد کند.

ماده (۷۷)

محکوم در طول دوره محکومیت باید تغییراتی نظیر تغییر شغل و محل اقامت را که مانع یا مخل اجرای حکم باشد به قاضی اجرای مجازات جایگزین حبس اطلاع دهد.

ماده (۷۸)

انواع خدمات عمومی و دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی و عمومی پذیرنده محکومان و نحوه همکاری آنان با قاضی اجرای احکام و محکوم، به موجب آیین‌نامه‌ای که ظرف مدت سه ماه به وسیله وزارتخانه‌های کشور و دادگستری تهیه و با تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیئت دولت می‌رسد، تعیین خواهد شد. مقررات این فصل پس از تصویب آیین‌نامه موضوع این ماده لازم‌الاجرا خواهد شد.

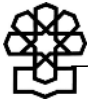
ماده (۷۹)

چنانچه رعایت مفاد حکم دادگاه از سوی محکوم حاکی از اصلاح رفتار وی باشد دادگاه می‌تواند به پیشنهاد قاضی اجرای حکم برای یکبار بقیه مدت مجازات را تا نصف آن تقلیل دهد.

ماده (۸۰)

چنانچه محکوم از اجرای مفاد حکم یا دستورهای دادگاه تخلف نماید، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه برای بار نخست یک‌چهارم تا یک‌دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجرا می‌گردد.

تبصره - دادگاه در متن حکم آثار تبعیت و تخلف از مفاد حکم را صریحاً قید و به محکوم تفهیم می‌کند. قاضی اجرای احکام نیز در ضمن اجرا با رعایت مفاد حکم دادگاه و مقررات مربوط، نحوه نظارت و مراقبت بر محکوم را مشخص می‌نماید.



**ماده (۸۱)**

چنانچه اجرای تمام یا بخشی از مجازات‌های جایگزین حبس با مانعی مواجه گردد، مجازات مورد حکم یا بخش اجرا نشده بعد از رفع مانع اجرا می‌گردد. چنانچه مانع مذکور به واسطه رفتار عمدی محکوم و برای متوقف کردن مجازات ایجاد شده باشد مجازات اصلی اجرا خواهد شد.

ماده (۸۲)

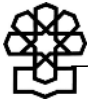
دوره مراقبت دوره‌ای است که طی آن محکوم، به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به انجام یک یا چند مورد از دستورات مندرج در تعویق مراقبتی به شرح ذیل محکوم می‌گردد:

۱. در جرائمی که مجازات قانونی آنها حداکثر سه ماه حبس است، تا شش ماه،
۲. در جرائمی که مجازات قانونی آنها نودویک روز تا شش ماه حبس است و جرائمی که نوع و میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، شش ماه تا یک سال،
۳. در جرائمی که مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال است، یک تا دو سال.
۴. در جرائم غیرعمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال است، دو تا چهار سال.

ماده (۸۳)

خدمات عمومی رایگان، خدماتی است که با رضایت محکوم برای مدت معین به شرح ذیل مورد حکم واقع و تحت نظارت قاضی اجرای احکام اجرا می‌گردد:

۱. جرائم موضوع بند «۱» ماده (۸۲) تا دویست و هفتاد ساعت،



۲. جرائم موضوع بند «۲» ماده (۸۲) دویست و هفتاد تا پانصد و چهل ساعت،

۳. جرائم موضوع بند «۳» ماده (۸۲) پانصد و چهل تا هزار و هشتاد ساعت.

۴. جرائم موضوع بند «۴» ماده (۸۲) هزار و هشتاد تا دوهزار و شصت ساعت.

تبصره «۱» - ساعات ارائه خدمت عمومی برای افراد شاغل بیش از چهار و برای افراد غیرشاغل بیش از هشت ساعت در روز نخواهد بود. در هر حال ساعات ارائه خدمت در روز نباید مانع امرار معاش متعارف محکوم باشد.

تبصره «۲» - حکم به ارائه خدمت عمومی مشروط به رعایت همه ضوابط و مقررات قانونی مربوط به آن خدمت از جمله شرایط کار زنان و نوجوانان، محافظت‌های فنی و بهداشتی و ضوابط خاص کارهای سخت و زیان‌آور خواهد بود.

تبصره «۳» - دادگاه نمی‌تواند به بیش از یک خدمت عمومی مقرر در آیین‌نامه موضوع این فصل حکم دهد. در هر حال در صورت عدم رضایت محکوم به انجام خدمات عمومی، مجازات اصلی مورد حکم واقع خواهد شد.

تبصره «۴» - قاضی اجرای احکام می‌تواند بنا به وضع جسمانی و نیاز به خدمات پزشکی یا معذوریت‌های خانوادگی و مانند آنها، انجام خدمات عمومی را به‌طور موقت و حداکثر تا سه‌ماه در طول دوره، تعلیق کرده یا تبدیل آن را به مجازات جایگزین دیگر به دادگاه صادرکننده حکم پیشنهاد دهد.

ماده (۸۴)

جزای نقدی روزانه عبارت است از یک‌هشتم تا یک‌چهارم درآمد روزانه محکوم که به شرح زیر مورد حکم واقع و با نظارت اجرای احکام وصول می‌شود:



۱. جرائم موضوع بند «۱» ماده (۸۲) تا یکصد و هشتاد روز.

۲. جرائم موضوع بند «۲» ماده (۸۲) یکصد و هشتاد تا سیصد و شصت روز.

۳. جرائم موضوع بند «۳» ماده (۸۲) سیصد و شصت تا هفتصد و بیست روز.

۴. جرائم موضوع بند «۴» ماده (۸۲) هفتصد و بیست تا هزار و چهارصد و چهل روز.

تبصره - محکوم موظف است در پایان هر ماه ظرف مدت ده روز مجموع جزای

نقدی روزانه آن ماه را پرداخت نماید.

ماده (۸۵)

میزان جزای نقدی جایگزین حبس به شرح زیر خواهد بود:

۱. جرائم موضوع بند «۱» ماده (۸۲) تا نه میلیون ریال.

۲. جرائم موضوع بند «۲» ماده (۸۲) از نه میلیون تا هجده میلیون ریال.

۳. جرائم موضوع بند «۳» ماده (۸۲) از هجده میلیون تا سی و شش میلیون ریال.

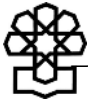
۴. جرائم موضوع بند «۴» ماده (۸۲) از سی و شش میلیون تا هفتاد و دو میلیون ریال.

ماده (۸۶)

دادگاه می‌تواند ضمن حکم به مجازات جایگزین حبس، با توجه به جرم ارتكابی و

وضعیت محکوم، وی را به یک یا چند مورد از مجازات‌های تبعی و یا تکمیلی نیز

محکوم نماید. در این صورت مدت مجازات مذکور نباید بیش از دو سال باشد.



فصل دهم - مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان

ماده (۸۷)

درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری شده‌اند و سن آنها در زمان

ارتکاب، ۹ تا ۱۵ سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را

اتخاذ می‌کند:

الف) تسلیم به والدین یا به اولیا و یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و

تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان. در این صورت هرگاه دادگاه

مصلحت بداند می‌تواند بر حسب مورد از اشخاص مذکور تعهد به انجام اموری از قبیل

موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را اخذ نماید:

۱. معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روان‌شناس و دیگر متخصصان

و همکاری با آنان.

۲. فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل

یا حرفه‌آموزی.

۳. اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک.

۴. جلوگیری از معاشرت طفل یا نوجوان با اشخاصی که دادگاه ارتباط با آنها را

برای طفل یا نوجوان مضر تشخیص می‌دهد.

۵. جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین.

ب) تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا

نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند فوق در صورت عدم

صلاحیت والدین، اولیا یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آنها،



با رعایت مقررات ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی.

تبصره - تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است.

(ج) نصیحت به وسیله قاضی دادگاه.

(د) اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم.

(ه) نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم

تعزیری درجه یک تا پنج.

تبصره «۱»- تصمیمات مذکور در بندهای «د» و «ه» صرفاً در خصوص اطفال و

نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجرا خواهد بود. همچنین اعمال مقررات بند «ه»

در مورد اطفال و نوجوانانی که جرائم موجب تعزیر درجه یک تا پنج مرتکب شده‌اند

الزامی است.

تبصره «۲»- هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد در

صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در

بندهای «د» و یا «ه» محکوم شده و در غیر این صورت یکی از اقدامات مقرر در

بندهای «الف» تا «ج» در مورد آنها اتخاذ خواهد شد.

تبصره «۳»- در مورد تصمیمات مورد اشاره در بندهای «الف» و «ب» این ماده،

دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین

گزارش‌های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، در تصمیم خود

هرچند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضا کند تجدیدنظر نماید.



ماده (۸۸)

درباره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری شده‌اند و سن آنها در زمان ارتکاب، بین

۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی است مجازات‌های زیر اجرا می‌شود.

۱. نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال در مورد جرائمی که

مجازات قانونی آنها تعزیر درجه یک تا سه است.

۲. نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از یک تا سه سال در مورد جرائمی که

مجازات قانونی آنها تعزیر درجه چهار است.

۳. نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال یا پرداخت جزای

نقدی از ده تا چهل میلیون ریال یا انجام یکصد و هشتاد تا هفتصد و بیست ساعت

خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه پنج

است.

۴. پرداخت جزای نقدی از یک تا ده میلیون ریال یا انجام شصت تا یکصد و هشتاد

ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه

شش است.

۵. پرداخت جزای نقدی تا یک میلیون ریال در مورد جرائمی که مجازات قانونی

آنها تعزیر درجه هفت و هشت است.

تبصره «۱»- ساعات ارائه خدمات عمومی بیش از چهار ساعت در روز نخواهد

بود.

تبصره «۲»- دادگاه می‌تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتکابی، به جای

صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی موضوع بندهای «۱» تا «۳» این ماده،



به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین می‌کند یا به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه‌ماه تا پنج سال حکم دهد.

ماده (۸۹)

دادگاه می‌تواند با توجه به گزارش‌های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت یک‌بار در رأی خود تجدیدنظر کرده و مدت نگهداری را تا یک‌سوم تقلیل دهد یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی او تبدیل نماید. تصمیم دادگاه مبنی بر تجدیدنظر در صورتی اتخاذ می‌شود که طفل یا نوجوان حداقل یک‌پنجم از مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را گذرانده باشد. رأی دادگاه در این مورد قطعی است. این امر مانع از استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی با تحقق شرایط آنها نخواهد بود.

ماده (۹۰)

در جرائم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبیه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم خواهند شد.

تبصره - دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می‌تواند از نظر پزشکی قانونی یا از هر طریق دیگر که مقتضی بداند، استفاده کند.

ماده (۹۱)

در جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا هر ضمان مالی دیگری است دادگاه اطفال و نوجوانان مطابق مقررات مربوط حکم به پرداخت دیه و خسارت را صادر می‌کند.

ماده (۹۲)

دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات تخفیف، مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان را تا نصف حداقل تقلیل داده یا به اقدام دیگری تبدیل نماید.

ماده (۹۳)

دادگاه می‌تواند در جرائم موجب تعزیر درجه پنج تا هشت با رعایت مقررات این قانون صدور حکم را در مورد اطفال و نوجوانان به تعویق انداخته یا اجرای حکم را معلق کند.

ماده (۹۴)

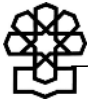
محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است.

فصل یازدهم - سقوط مجازات

مبحث اول - عفو

ماده (۹۵)

«عفو یا تخفیف مجازات محکومان، در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه با مقام رهبری است».



**ماده (۹۶)**

«عفو عمومی که به موجب قانون در جرائم موجب تعزیر اعطا می‌شود، تعقیب و دادرسی را موقوف می‌کند. در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات متوقف و آثار محکومیت نیز زایل خواهد شد.»

ماده (۹۷)

«عفو همه آثار محکومیت را منتفی می‌کند، لکن تأثیری در پرداخت دیه و جبران خسارت زیان‌دیده ندارد.»

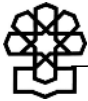
مبحث دوم - نسخ قانون**ماده (۹۸)**

«نسخ قانون تعقیب و اجرای مجازات را متوقف می‌کند. آثار نسخ قوانین کیفری به شرح مندرج در ماده (۱۰) این قانون خواهد بود.»

مبحث سوم - گذشت شاکی**ماده (۹۹)**

«در جرائم تعزیری قابل گذشت، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی حسب مورد موجب موقوفی تعقیب یا عدم اجرای مجازات است.»

تبصره «۱» - جرائم قابل گذشت جرائمی هستند که شروع و ادامه تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات، منوط به شکایت شاکی و عدم گذشت وی است.



تبصره «۲» - جرائم غیرقابل گذشت جرائمی هستند که شکایت شاکی و گذشت وی در شروع به تعقیب و رسیدگی و ادامه آنها و اجرای مجازات تأثیری ندارد.»

تبصره «۳» - مقررات راجع به گذشت شاکی در مورد مجازات‌های قصاص نفس و عضو، حد قذف و حد سرقت همان است که در کتاب دوم و سوم این قانون ذکر شده است. گذشت شاکی در سایر حدود تأثیری در سقوط و تخفیف مجازات ندارد.»

ماده (۱۰۰)

«گذشت باید منجز باشد و به گذشت مشروط و معلق ترتیب اثر داده نخواهد شد. همچنین عدول از گذشت مسموع نیست.»

تبصره - تأثیر گذشت قیم اتفاقی منوط به تأیید دادستان است.»

ماده (۱۰۱)

«هرگاه متضررین از جرم متعدد باشند تعقیب جزایی با شکایت هریک از آنان شروع می‌شود. ولی موقوفی تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موکول به گذشت تمام کسانی است که شکایت کرده‌اند.»

تبصره - حق گذشت به وراث قانونی متضرر از جرم منتقل و در صورت گذشت همگی وراث حسب مورد تعقیب، رسیدگی یا اجرای مجازات موقوف می‌گردد.»

**ماده (۱۰۲)**

«چنانچه قابل گذشت بودن جرمی در قانون تصریح نشده باشد غیرقابل گذشت محسوب می‌شود».

ماده (۱۰۳)

«علاوه بر جرائم تعزیری مندرج در کتاب دیات و فصل حد قذف این قانون و جرائمی که به موجب قوانین خاص قابل گذشت محسوب شده‌اند جرائم مندرج در مواد زیر از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی نیز قابل گذشت محسوب می‌شوند:

قسمت اخیر ماده (۵۹۶، ۶۰۸، ۶۲۲، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۴۲، ۶۴۸، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۹، ۶۸۲، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۹۰، ۶۹۲، ۶۹۴، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹ و ۷۰۰).

مبحث چهارم - مرور زمان**ماده (۱۰۴)**

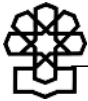
«مرور زمان، تعقیب جرائم موجب تعزیر را در صورتی که از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد زیر تعقیب نشده یا از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی تا انقضای این مواعد به صدور حکم قطعی منتهی نشده باشد موقوف می‌کند:

الف) جرائم تعزیری درجه یک تا سه با انقضای ۱۵ سال،

ب) جرائم تعزیری درجه چهار با انقضای ۱۰ سال،

ج) جرائم تعزیری درجه پنج با انقضای ۷ سال،

د) جرائم تعزیری درجه شش با انقضای ۵ سال،



ه) جرائم تعزیری درجه هفت و هشت با انقضای ۳ سال.

تبصره «۱» - اقدام تعقیبی یا تحقیقی اقدامی است که مقامات قضایی در اجرای یک وظیفه قانونی از قبیل جلب، احضار، بازجویی، استماع اظهارات شهود و مطلعین، تحقیقات یا معاینه محلی و نیابت قضایی انجام می‌دهند.

تبصره «۲» - در مورد صدور قرار اناطه، مرور زمان تعقیب از تاریخ قطعیت رأی مرجعی که رسیدگی کیفری منوط به صدور آن است، شروع می‌شود».

ماده (۱۰۵)

«در جرائم تعزیری قابل گذشت هرگاه متضرر از جرم در مدت یکسال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، شکایت نکند، حق شکایت کیفری او ساقط می‌شود، مگر اینکه تحت سلطه متهم بوده یا به دلیلی خارج از اختیار قادر به شکایت نباشد که در این صورت مهلت مزبور از تاریخ رفع مانع خواهد بود. هرگاه متضرر از جرم قبل از انقضای مدت مذکور فوت کند و دلیلی بر صرفنظر کردن وی از طرح شکایت نباشد هریک از ورثه وی در مهلت شش ماه از تاریخ وفات حق شکایت خواهند داشت.

تبصره - جز در مواردی که شاکی تحت سلطه متهم بوده، در صورتی به شکایت وی یا ورثه او رسیدگی خواهد شد که جرم موضوع شکایت برابر ماده قبل مشمول مرور زمان نشده باشد».

**ماده (۱۰۶)**

«مرور زمان، اجرای احکام قطعی تعزیری را موقوف می‌کند و مدت آن از تاریخ قطعیت حکم به قرار زیر است:

- الف) جرائم تعزیری درجه یک تا سه با انقضای ۲۰ سال،
- ب) جرائم تعزیری درجه چهار با انقضای ۱۵ سال،
- ج) جرائم تعزیری درجه پنج با انقضای ۱۰ سال،
- د) جرائم تعزیری درجه شش با انقضای ۷ سال،
- هـ) جرائم تعزیری درجه هفت و هشت با انقضای ۵ سال،

تبصره «۱»- اگر اجرای تمام یا بقیه مجازات موکول به گذشتن مدت یا رفع مانعی باشد، مرور زمان از تاریخ انقضای آن مدت یا رفع مانع محاسبه می‌شود.

تبصره «۲»- مرور زمان اجرای احکام دادگاه‌های خارج از کشور نسبت به اتباع ایرانی در حدود مقررات و موافقتنامه‌های قانونی مشمول مقررات این ماده است.»

ماده (۱۰۷)

«هرگاه اجرای مجازات شروع ولی به هر علت قطع شود، تاریخ شروع مرور زمان، تاریخ قطع اجرای مجازات است و در مواردی که بیش از یک نوبت قطع شود شروع مرور زمان از تاریخ آخرین انقطاع است، مگر اینکه اجرای مجازات بر اثر رفتار عمدی محکوم قطع شده باشد که در این صورت مرور زمان جریان نمی‌یابد.»

ماده (۱۰۸)

«جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نخواهند شد:

- ۱. جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور،
- ۲. جرائم اقتصادی (کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده (۳۵) این قانون)،
- ۳. جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر.»

ماده (۱۰۹)

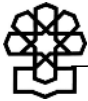
«هرگاه نسبت به یک شخص به موجب حکم یا احکامی محکومیت‌های قطعی متعدد صادر شود، شروع به اجرای هر یک از محکومیت‌ها، نسبت به دیگر محکومیت‌ها قاطع مرور زمان خواهد بود.»

ماده (۱۱۰)

«در موارد تعلیق اجرای مجازات یا اعطای آزادی مشروط، در صورت لغو قرار تعلیق یا حکم آزادی مشروط، مبدأ مرور زمان، تاریخ لغو قرار یا حکم خواهد بود.»

ماده (۱۱۱)

«قطع مرور زمان مطلق است و نسبت به کلیه شرکا و معاونان اعم از آنکه تعقیب شده یا نشده باشند، اعمال می‌شود، هرچند تعقیب تنها نسبت به یکی از آنها شروع شده باشد. همچنین شروع به اجرای حکم نسبت به برخی از شرکا یا معاونان جرم قاطع مرور زمان نسبت به دیگر محکومان خواهد بود.»



**ماده (۱۱۲)**

«موقوف شدن تعقیب، صدور حکم یا اجرای مجازات، مانع از استیفای حقوق مدعی خصوصی نیست و متضرر از جرم می‌تواند دعوای خصوصی را در مرجع صالح اقامه نماید».

مبحث پنجم - توبه مجرم**ماده (۱۱۳)**

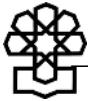
در جرائم موجب حد به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌گردد. همچنین اگر جرائم فوق با اقرار ثابت شده باشند، در صورت توبه مرتکب پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را به وسیله رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید.

تبصره «۱» - توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد خواهد بود.

تبصره «۲» - در زنا و لواط هرگاه جرم به عنف، اکراه و یا با اغفال بزه‌دیده انجام شده باشد، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات، به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دو آنها محکوم خواهد شد.

ماده (۱۱۴)

«در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می‌شود. در سایر جرائم موجب



تعزیر دادگاه می‌تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید.

تبصره - مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرائم تعزیری در مورد آنها اعمال می‌شود، جاری نخواهد شد».

ماده (۱۱۵)

«دیه، قصاص و حد قذف با توبه ساقط نمی‌گردد».

ماده (۱۱۶)

«در مواردی که توبه مرتکب موجب سقوط یا تخفیف مجازات می‌گردد، توبه، اصلاح و ندامت وی باید احراز گردد و به ادعای مرتکب اکتفا نمی‌شود. چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه، ثابت شود که مرتکب تظاهر به توبه کرده است سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده ملغی شده و مجازات اجرا می‌گردد. در این مورد چنانچه مجازات از نوع تعزیر باشد مرتکب به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می‌شود».

ماده (۱۱۷)

«متهم می‌تواند تا قبل از قطعیت حکم، ادله مربوط به توبه خود را حسب مورد به مقام تعقیب یا رسیدگی ارائه نماید».

ماده (۱۱۸)

«چنانچه دادستان مخالف سقوط یا تخفیف مجازات باشد، می‌تواند به مرجع تجدیدنظر اعتراض کند».



مبحث ششم - اعمال قاعده درأ

ماده (۱۱۹)

«هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هریک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نخواهد شد».

ماده (۱۲۰)

در جرائم موجب حد به استثنای محاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف، به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نخواهد شد.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۶۰۳

عنوان گزارش: اظهارنظر کارشناسی درباره: «لایحه مجازات اسلامی»
(بخش دوم - کلیات، مجازات‌ها) پیشنهادهای مرکز پژوهش‌ها

نام دفتر: مطالعات حقوقی (گروه جزا)

تهیه و تدوین: جلیل محبی

ناظر علمی: بهزاد پورسید

متقاضی: کمیسیون قضایی حقوقی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: اسفندماه ۱۳۸۷